

سید محمود آزاد

در قرن نوزدهم میلادی در بنگاله میان سخن سرایان و نویسندگان برجسته زبان فارسی، یک شخصیت ارجمند و مفتخر، سید محمود آزاد می‌زیست که به عنوان شاعر زبان فارسی، نام و آوازه‌اش در سراسر بنگاله پیچید. وی در هر دو زبان اردو و فارسی شعر می‌سرود ولی مانند میرزا غالب دهلوی، شعر فارسی‌اش را نسبت به اردو بهتر می‌دانست و اینطور می‌سرود:

اے ریہ . یہ کچھ میرا فن نہیں تف ہیں فارسی کے مرے شعر تر سے آپ^۱

یعنی آزاد به سرودن شعر به زبان اردو هیچ علاقه‌ای ندارد، ولی شما می‌دانید که اشعار فارسی وی بهتر است.

در احوال زندگانی سید محمود آزاد، هیچ تذکره نگار اردو و فارسی در آن عهد سخنی نگفته است حتی عبدالغفور نساخ (م: ۱۸۸۹ م.)^۲ هم که بزرگ‌تر از آزاد و هم عصر وی بود، در تألیف خویش «سخن شعرا»^۳ از آزاد هیچ ذکری به میان نیاورده است. بنابر این، هر آنچه که از «لطیف‌الرحمن»^۴ با اندکی تفصیل در دسترس است، درج می‌گردد.

اجداد آزاد، از نژاد ایرانی بودند و اغلب در اصفهان زندگی می‌کردند. پدر جدش امیر اشرف علی در اواخر قرن هیجدهم میلادی از اصفهان هجرت کرده به هند آمد و در

۱. سید محمود آزاد، دیوان آزاد، ص ۱۰۸-۱۰۹.

۲. عبدالغفور نساخ شاعر اردو و فارسی در کلکته می‌زیست که در سال ۱۸۸۹ میلادی درگذشت. ر. ک.

ک. به دکتر جاوید نهال بنگال کارواوب. انیسویں صدی میں، ص ۲۶۹.

۳. عبدالغفور نساخ، سخن شعراء (تذکره شعرا اردو و فارسی).

۴. سید لطیف‌الرحمن یکی از دانشمندان فارسی که در کلکته می‌زیست و به سال ۱۹۹۲ میلادی درگذشت. ر. ک. به سالک لکهنوی، بنگال میں ترکی، ص ۱۱۰.

جهانگیرنگر در شهر داکا در ایالت بنگاله (کشور بنگلادش) اقامت گزید. در آن عهد، اشرف علی یکی از اشراف و رؤسای شهر شمرده می‌شد. پسر بزرگش - میر مهدی علی - پدر بزرگ آزاد بود. سید محمود آزاد که نام پدرش سید اسدالدین حیدر (م: ۱۸۸۸ م.) بود، در سال ۱۸۴۲ م. در شهر داکا که فعلاً پایتخت کشور بنگلادش است، متولد شد. وی آزادانه زندگی به سر می‌برد و هنگامی که میراث خانواده‌اش تلف شد و زیستن برایش دشوار گشت برای کسب معاش، ناچار همراه برادرش سید محمد که او هم به آزاد معروف بود و یکی از نویسندگان روزنامه مشهور «اوده پنج» که در لکهنو منتشر می‌شد، به شمار می‌رفت، روی به کلکته نهاد.

در آن روزگار، نواب سید عبداللطیف خان بهادر (۱۸۲۸-۱۸۹۳ م.) یکی از امرا و رؤسای برجسته و دانشمند نامور که در کلکته زندگی می‌کرد و در حکومت انگلیسی‌ها خیلی تأثیرگذار و با نفوذ بود، به هر دو برادر سفارش کرد که برای حصول شغل در حکومت انگلیسی برای مصاحبه به خدمت افسر انگلیسی حاضر شوند. ایشان، چون در وقت معین به جایگاه مصاحبه رسیدند، دیدند که صفی طولانی از امیدواران به ملاقات تشکیل شده است. سید محمود آزاد، با دیدن این وضع، و بدون انتظار بار یافتن، راهش را گرفت و از آنجا رفت؛ ولی برادرش محمد آزاد با طمأنینه قلبی و صبر و ثبات بسیار، در انتظار باریابی ماند و در مصاحبه شرکت جست و خوشبختانه پست و حقوق دولتی دریافت نمود و در منصب خصوصی زیر نظر رئیس اداره آموزش گمارده شد. وی بعدها به عنوان بازرس عمومی ثبت نام در ایالت‌های بنگال و بیهار منصوب شد و در سال ۱۹۱۲ م. بازنشسته گشت.

محمود آزاد، هیچ علاقه‌ای به مشاغل دولتی نداشت؛ بنابراین، به داکا بازگشت و آنجا بقیه زندگانی را با عسرت و تنگدستی به سر برده در سال ۱۹۰۷ م. رهسپار ملک عدم گشت و در گورستانی متصل به مسجد لنگرخانه شهر به خاک سپرده شد.^۱ بنا به گفته مولوی رحمان علی طیش مصنف «تواریخ داکا»، آزاد در سن ۶۵ سالگی در اثر بیماری فلج رحلت فرمود.^۲

۱. سید لطیف‌الرحمن، تجلیات شعرستان فارسی (اردو)، ص ۳۴۷-۳۵۳.

۲. سید اقبال عظیم، مشرق بنگال میں اردو، ص ۷۱-۷۲.

تحصیلات آزاد

هیچ نویسنده اردو زبان، حتی سید لطیف‌الرحمن هم درباره تحصیلات آزاد که وی کجا و در کدام مدرسه یا دانشکده تحصیل کرده بحث نکرده است. از نقل حکیم حبیب‌الرحمن چنانکه وی در مسوده‌اش «ثلاثه غساله» ذکر نموده، برمی‌آید که آزاد، شاگرد آغا احمد علی^۱ بود و تحصیلات علمی او، از اکتساب فیض از احمد علی بود.^۲ چنانکه آزاد در قصیده‌اش «معراج‌الخیال» این نکته را با تعریف و توصیف آغا احمد علی شرح داده است. تعدادی از شعرها در ادامه نقل می‌شود:

زهی دارالعیار علم و دانایی که می‌نازد	کمال از نسبت ذات فضیلت دستگاه‌هانش
خصوصاً اوستادی مولوی احمد علی کز وی	مسلم شد در ارباب فضیلت عظمت شأنش
حکیم شاعران احمد تخلص قلزم معنی	مسمی احمد مرسل وحید عصر و آدانش
امام اهل تحقیق افتخار نکته ایجادان	سر معنی شناسان جهان بر خط فرمانش
زبان فارسی را زندگی از سعی تحقیقش	رهین منت احسان بی‌پایان او جانش ^۳

حکیم حبیب‌الرحمن، اضافه می‌کند که آزاد از اوایل عمرش اشتیاق به شعرگویی داشت و اول به «شیدا» تخلص می‌کرد.^۴ قول حکیم موصوف درست است و می‌توان گفت که در «مؤید برهان»^۵ تقریظی که چاپ شده است، به همین تخلص «شیدا» است که تخلص سید محمود آزاد است.^۶ ولی نقل دکتر «وفا راشدی» نویسنده زبان اردو، که معتقد است آزاد ابتدا «مشهد» تخلص داشت،^۷ محلّ امعان نظر می‌باشد، چنانکه در صفحات گذشته ذکر شد آزاد به هر دو زبان فارسی و اردو شعر می‌گفت و برای

۱. آغا احمد علی اصفهانی یکی از برجسته‌ترین دانشمندان زبان فارسی است که در قرن نوزدهم میلادی در بنگاله می‌زیست و در سال ۱۸۸۳ میلادی در داکا فوت کرد. ر. ک. به مقدمه «هفت آسمان» تالیف احمد علی، کلکته ۱۸۷۳ میلادی.

۲. مشرقی بنگال میں اردو ص ۷۲.

۳. دیوان آزاد، ص ۱۱.

۴. مشرقی بنگال میں اردو ص ۸۲.

۵. «مؤید برهان» تألیف آغا احمد علی به موضوع لغت‌نویسی در کلکته به سال ۱۲۸۲ هجری چاپ شد.

۶. همان، ص ۴۵۶.

۷. وفا راشدی، گلکته کی ادبی داستانیں، ص ۱۰۲.

شعرگویی به فارسی آغا احمد علی را استاد خویش قرار داد، همچنین در سرودن شعر به زبان اردو، وی از چشمه فیض «حافظ اکرام احمد ضیغم»^۱ مستفیض گردید؛ چنانکه می‌گوید:

کامل فن سخن ماہر اصناف کلام کوئی ضیغم سا نظر مجھ کو نہ استاد آیا^۲

یعنی در فن سخنوری به زبان اردو مانند ضیغم هیچ استاد به نظر مقبول نیفتاد.

شاگردی غالب

در این باره بیشتر نویسندگان اردو از جمله سید لطیف‌الرحمن ذکر نموده‌اند که چون میرزا غالب به کلکته آمد و شانزده یا هفده ماه در اینجا گذراند، در آن هنگام آزاد در سرودن شعر از وی اکتساب فیض کرد و وقتی که غالب، کلکته را وداع گفته به دهلی بازگشت، آزاد با او مکاتبه داشت و از وی برای اصلاح شعر و سخنش کمک می‌گرفت.^۳ ولی این امر، تاکنون ثابت نشده و نیازمند تحقیق بیشتر است. هرچه هست، فرضیه‌ای است بر اساس خطابه‌ای از رادیو که دکتر عندلیب شادانی^۴ در مورد دیدار آزاد و میرزا غالب در کلکته ایراد کرد. چنانکه استاد فقید «پروفیسور کلیم سهرامی» یکی از دانشمندان زبان فارسی و اردو در بنگلادش با نظرات استاد عندلیب شادانی اتفاق نظر ندارد و ملاقات غالب و آزاد را انکار نموده است.^۵ در این باره، دو استاد فارسی در کلکته یعنی دکتر محمد فیروز و دکتر محمد منصور عالم، بحث مفصلی کرده‌اند^۶ که در خور اعتناست.

۱. ضیغم، شاعر و کیمیاگر، ساکن رامپور (م: ۱۲۸۶ هجری) ر. ک: به نسخ، ص ۲۹۳.

۲. دیوان آزاد، ص ۱۰۵.

۳. مشرقی بنگال میں اردو ص ۷۳؛ کلکته کی ادبی داستانیں، ص ۴۹؛ تجلیات شعرستان فارسی، ص ۳۵۶-۳۵۵.

۴. شادانی دانشمند معروف فارسی، اردو و انگلیسی بود (م: ۱۹۶۹ میلادی) برای مطالعه تفصیلی رجوع رجوع کنید به کلثوم ابوالبشر، دکتر عندلیب شادانی (اورکار، اے)، داکا، ۱۹۹۲ میلادی.

۵. کلیم سهرامی، بنگال ٹیبلٹ، ششما، ص ۵۳.

۶. مقاله دکتر فیروز، «این دو ایرانی‌ها» کلکته جلد ۴۰، ص ۵۴-۵۵ و مقاله دکتر منصور عالم، مجله «راه اسلام»، دهلی نو، شماره ۱۹۲، ص ۱۴۷-۱۴۹.

آزاد دختر یکی از خویشاوندان نزدیکش را به نکاح خود درآورد و از او فرزند دختری متولد شد. وی در عنفوان شباب، در حیات پدرش فوت کرد و آزاد تمام عمر، در سوگ دخترش غم می‌خورد. وی در یکی از قصیده‌هایش چنین اظهار اندوه می‌کند:

فغان فغان که متاع امیدها در دل تب فراق عزیزی بسوخت پنهانی
 جگر خراش از این ناله و فغان تا کی فسانه غم دل دفتری است طولانی^۱

آزاد، یک برادر حقیقی هم داشت که کوچک‌تر از وی بود. نامش سید محمد و آزاد تخلّصش بود.^۲ سید محمود آزاد برادر خردسالش را خیلی دوست داشت وی در قصیده‌ای برادرش را ستوده و او را با لقب «ابوالفضل» و خود را «فیضی» خوانده است. چنانکه می‌سراید:

مسمی سید هر دو سرا سید محمد خان
 که انوار سعادت‌ها بود از جبه رخشانس
 بحمدالله به عظمت‌ها که بودش پیش از این حاصل
 کنون ذات من و فرخ برادر هست برهانس
 به نظم و نثر در دهر ابوالفضل است و من فیضی
 بود او پایه سنج من، منم از نکته فهمانش^۳

سید محمد آزاد در نمایشنامه نویسی به عنوان «دربار نوابی» به زبان اردو که خیلی طنز آمیز بود، بسیار شهرت داشت.^۴

در مورد شاگردان آزاد به ویژه دو نام قابل ذکر است که عبارتند از: خواجه محمد افضل که بیشتر کلام آزاد به علاوه دیوان او در تصرف وی بود.^۵ و دیگری سید شرف‌الدین حسینی (م: ۱۹۶۰ م.) که خواهر زاده آزاد و یکی از اشراف شهر داکا بود که

۱. دیوان آزاد، ص ۲۳.

۲. تجلیات شعرستان فارسی، ص ۳۵۳.

۳. دیوان آزاد، ص ۷-۸.

۴. برای زندگانی سید محمد آزاد، ر. ک به بنگال کارووک. انیسویں صدی میں، ص ۵۹۱.

۵. مشرقی بنگال میں اردو، ص ۷۲.

به هر دو زبان اردو و فارسی صاحب دیوان بود. دیوانش به نام «گلستان شرف» در سال ۱۹۳۷ م. چاپ شد و دیوان دیگری به نام «دبستان شرف» دارد که چاپ نشده است.^۱

آثار آزاد

دیوان آزاد مشتمل بر ۱۲۲ صفحه در حیات شاعر در عظیم آباد پتنا در سال ۱۳۰۷ هـ/ ۱۸۸۹ م. به چاپ رسید.^۲ این دیوان، بر دو بخش کلام فارسی و اردو است. اول یک تقریظ به زبان فارسی دارای چهار صفحه و یک قطعه طولانی هم به فارسی در تعریف و توصیف دیوان و صاحب دیوان از کلک خامه محمد عبدالغفور شهباز می‌باشد.^۳ بخش فارسی دیوان از صفحه ۲ تا ۱۰۱ مشتمل بر ۹ قصیده، ۱۳ غزل، ۳ مثنوی، ۸ قطعه، ۲۲ رباعی و ۱۶ قطعه تاریخی است. بخش اردوی دیوان به عنوان «کلام ریخته» فقط ۱۳ غزل و ۵ رباعی دارد. در پایان دیوان، تعدادی از قطعات تاریخی در ضمن تبریک و تهنیت آزاد به قلم شعرای دیگر مندرج است. قصاید فارسی عبارتند از: حجت‌الکمال، معراج‌الخیال، زاد و سفر، صحیفه‌الإعجاز و قصایدی دیگر در مدح نواب عبدالغنی خان بهادر رئیس داکا، نواب عبدالمغنی و أحسن الله خان، مولوی عبدالغفور خان نساخ و نواب کلب علی خان هر قصیده با حمد پاک و نعت نبی صلی الله علیه و آله شروع می‌شود. در یک قصیده، احوال سفر کلکته از داکا را هم ذکر نموده است که تعدادی از آن اشعار در ادامه نقل می‌شود:

ز باد سرد زمستان و ابر برف نشان	اثر می‌دهد اکنون ز زمهریر نشان
به سیلی ستم دهر و گردش تقدیر	روان به جانب کلکته‌ام به صد حرمان
میان کشتی چرخ‌ی نشست‌ام مغموم	جگر گداخته از رنج دوری یاران

۱. بنگال ٹیلاب. شناسی، ص ۵۳ (۴)

۲. بنا به گفته حکیم حبیب‌الرحمن و مولوی رحمان علی طیش مجموعه‌ای از کلام آزاد که خیلی پیشتر در سال ۱۸۸۹ میلادی از مرشدآباد به طبع رسیده بود، از دیوان موجود چاپی مجموعه‌ای جداگانه است. ر.ک. به مشرقی بنگال میں اردو، ص ۷۳.

۳. سید محمد عبدالغفور شهباز پروفیسور فارسی در دانشکده اورنگ آباد دکن در کلکته می‌زیست. وی یکی از شخصیت‌های برجسته در زبان‌های اردو، عربی، فارسی، بنگالی و انگلیسی تسلط کامل می‌داشت. ر. ک به: بنگال میں اردو، ص ۵۹-۶۱.

سفینه‌ای که به سان سفینه شعرم هزار بحر در آغوش او شود پنهان
 دمی که بی‌کس و تنها به عزم ملک بقا سفر گزینم از این دلفریب شارستان
 بود رفیق من ایمان و توشه‌ام توفیق انیس بدرقه لطف شامل یزدان^۱
 قصیده فوق با موضوع «زاد و سفر» یکی از عمده‌ترین قصاید فارسی می‌باشد که
 روانی بیان، فصاحت و بلاغت زبان، برجستگی و اثر انگیزی آن قابل توجه است شاعر
 با بیان احوال زحمت‌های مسافرت، جدایی رفیقان و آب و هوای ناموافق، در اصل
 به اهل دنیا پند می‌دهد که سفر دنیوی و سختی‌هایش هیچ نیست بلکه سفر آخرت را
 که حتمی است پیش نظر باید داشت که با نیکوکاری و ایمان و عمل صالح، سفر مذکور
 به سلامت طی خواهد شد که همین، مقصود زندگانی می‌باشد.

از غزلیات آزاد، نخستین غزل حواله سطر می‌شود:

نگاه او نه تنها کرد رسوا بی‌قراران را

شکست رنگ شد آینه حال راز داران را

چه جبر است اینکه بعد از بردن صبر و خرد نازش

کند تأکید ضبط درد دل بی‌اختیاران را

شب مهتاب و سیر دجله در بنگاله شرقی

رساند نشئه عیش و نشاط باده خواران را

چه می‌نازی به جاه بی‌بقا زیر زمین بنگر

به جای تاج بر سر خاک گردون اقتداران را

ز انداز تغافل‌های بی‌پروا نگاه تو

نظرها ترجمان یأس شد امیدواران را^۲

دیوان آزاد سه مثنوی دارد که عبارتند از «منتهی‌الافکار» (مثنوی ذوبحرین)؛ تقریظ
 و تاریخ دیوان سوم نساخ موسوم به «ارمغان» و مثنوی «رویداد طوفان آفت نشان داکا».

۱. دیوان آزاد، ص ۱۴، ۱۶ و ۲۰.

۲. همان، ص ۴۶.

مثنوی «منتهی الافکار» شامل حمد پاک و نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، مدح «نواب عبدالغنی»؛ وصف «ایوان نواب» و «شاه باغ» و تاریخ بنای آن است که در قالب شعرهای دلپذیر و پر اثر بیان شده است. درخاتمه مثنوی آزاد اینطور می‌سراید:

یافته این نامه معجز نظام مثنوی منتهی الافکار نام
خامه من زد رقم از بهر سال راحت دل گوهر گوش کمال^۱

یک قطعه تاریخی از کلک خامه مولوی سید محمد خان بهادر (سید محمد آزاد) برادر خردسال شاعر و سه قطعه تاریخی از نتیجه فکر مولوی عبدالغفور نساخ می‌باشد.^۲

مثنوی دوم به عنوان «تقریظ و تاریخ دیوان سوم نساخ موسوم به ارمغان» است که اصلاً در وصف دیوان عبدالغفور نساخ می‌باشد و در ضمن آن، از نواب عبداللطیف خان بهادر هم نام برده است.^۳

آخرین مثنوی به عنوان «رویداد طوفان آفت نشان داکا» درباره یک حادثه جانکاه به شکل طوفان بلا می‌باشد که در روز شنبه به وقت عصر در تاریخ ۷ آوریل به سال ۱۸۸۸ م. به وقوع پیوست و همه شهر داکا و اهل داکا را به غارت برد. آزاد شاهد عینی، آن واقعه جانگداز و وحشتناک را طوری سروده است که تصویری از آن به نظر جلوه‌گر می‌شود؛ آغاز مثنوی چنین است:

در این روزگار بلا سرگذشت که بر هیجده هست هشتاد و هشت
به تاریخ هفتم ز اپریل ماه شده داکا و اهل داکا تباه
دم عصر شنبه ز سمت شمال عقاب سیه ابر بگشاد بال

این مثنوی طولانی، مشتمل بر ۴۹ بیت شعر است که دارای تشبیه و استعاره و قدرت تخیل و بیان درخور اعتنا می‌باشد. در پایان مثنوی، آزاد می‌سراید:

یگانه خدای جهان آفرین همه فعله‌ایش به حکمت قرین
بیابید که عبرت پذیریم ما از این حادثه پند گیریم ما^۴

۱. دیوان آزاد، ص ۵۶-۶۸.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. همان، ص ۷۳-۷۶.

۴. همان، ص ۷۶-۷۹.

یعنی در هر حادثه جهان، مصلحت خداوندی پنهان است که ما باید از آن پند بگیریم.

مقطعات

در دیوان آزاد، تعداد هشت قطعه است که منسوب به شخصیت‌های ارجمند آن دوره به ویژه «سر لیلل گریفن بهادر»، «جان بیم صاحب بهادر»، «مسکین شاه مسکین» و «مولوی عبدالنعیم متخلص به نایب» و غیره می‌باشد.^۱

رباعیات

رباعیات آزاد به ویژه راجع به عبیدالله مرحوم، نواب سر عبدالغنی، مولوی ابوالمعالی وحید است که تعداد آنها ۱۹ می‌باشد^۲ به علاوه دیگر قطعات تاریخی نیز دارد که دارای ارزش و اهمیت است.

دیوان آزاد (جزو دوم) کلام اردو دارد که مشتمل بر ۱۳ غزل و ۵ رباعی است، به علاوه راجع به مثنوی «منتهی الافکار» یک قطعه تاریخی به زبان فارسی از کلک خامه عبیدی و ۴ قطعه تاریخی دیگر به زبان فارسی درباره چاپ دیوان آزاد (۱۳۰۷ هـ/ ۱۸۸۹ م.) که از نتایج افکار مولوی مهدی حسن خان شاداب، مولوی عبدالرؤف وحید و مولوی سید علی شاد، رئیس بلده عظیم آباد می‌باشد.^۳

در پایان دیوان، اقتباس ذیل به فارسی مرقوم است:

”الحمد لله که در ایام فرخنده جام کتاب لاجواب دیوان آزاد به اهتمام بلیغ بنده محمد حسین بی‌خبر مطبع هذا به قالب درآمد“^۴.

علاوه بر آثار فوق، مرثیه‌ای درباره وفات عبدالغفور نساخ (م: ۱۳۰۶ هـ/ ۱۴ ژوئن ۱۸۸۹ م.) سروده است که در دیوان نیست و آن را «سید لطیف الرحمان» در تألیفش

۱. دیوان آزاد، ص ۸۰-۸۹.

۲. همان، ص ۹۲-۹۳.

۳. همان، ص ۱۰۲-۱۱۹.

۴. همان، ص ۱۲۰.

«تجلیات شعرستان فارسی» نقل کرده است. مثنوی مشتمل بر ۲۷ شعر است و اینطور شروع می‌شود:

ز جوش باده هستی چکد خمار فنا چه دل نهی به نشاط دو روزه دنیا
مخند ای گل خاطر به بوستان جهان که برگ برگ فرو ریزدت ز باد فنا^۱

از آثار آزاد، مسدس کوچکی مستقل از دیوان می‌باشد که در کلکته در سال ۱۸۹۰ م. به زیور چاپ آراسته شد. این مسدس مشتمل بر ۶ صفحه و ۱۸۶ مصراع است و موضوع آن، بی‌ثباتی و ناپایداری دنیا است. بند آخر آن که خیلی مؤثر و عبرت آموز است، در سطر زیر نقل می‌شود:

دلا به چشم خرد بین در این شکفته بوستان گه از بهار اثر نگر گه از خزان بین نشان
پذیر بند و موعظت ز انقلاب کن فکان مده به فعلت از کفت متاع عمر رایگان
بگیر درس عبرت از نتیجه‌های کارها که هست حکم «فاعتبر دلیل اعتبارها»^۲

در این روزها که نظام دنیوی به سبب خدا بی‌زاری، الحاد و انحراف از شرع مصطفوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جنگ و جدال، جور و ستم، بد عملی و بدکاری و فتنه و فساد معمور است و در تمام دنیا انسانیت بی‌قرار و نیاسوده است، علاج آن در اختیار کردن دین حنیف و سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. آزاد انسان را به این نکته متوجه می‌گرداند. بند پایین ملاحظه شود که خیلی تأثیرگذار و انقلاب آفرین می‌باشد. شاعر می‌گوید:

نظام جمله کارها ز شرع احمدی طلب ز اتباع سنتش نجات سرمدی طلب
همیشه از رضای او رضای ایزدی طلب به سایه عنایتش امان ز هر بدی طلب
بجو صلاح دو جهان ز اقتدای مصطفی که آفرید دو جهان خدا برای مصطفی^۳

۱. تجلیات شعرستان فارسی، کلکته، ص ۳۷۲.

۲. سید محمود آزاد، مسدس، کلکته ۱۸۹۰ میلادی، ص ۶.

۳. همان، ص ۶.

لاله سری رام مصنف «خم‌خانه جاوید» یک تصنیف آزاد موسوم به «خیالات آزاد» را ذکر نموده است^۱ ولی هیچ نویسنده‌ی اردو زبان درباره این تصنیف آزاد اطلاعی نداده است.

مولوی رحمان علی طیش مصنف «تواریخ داکا» در تألیف خویش درباره سخن‌گویی آزاد چنین اظهار می‌نماید:

”مولوی سید محمود خلف سید اسدالدین حیدر ابن سید علی مهدی خان بهادر خلف میر اشرف علی رئیس داکا صاحب دیوان است... اشعارش پر از گهربار متانت و فصاحت و بلاغت هستند... برای فهمیدن قصاید فارسی وی درک و استعداد ادنی کافی نیست... مثنوی‌اش ذوالبحرین که به مدح «سر عبدالغنی» می‌باشد، دیدنی است“^۲.

حکیم حبیب‌الرحمن در تألیفش «ثلاثه غساله» راجع به سخن‌گویی آزاد می‌گوید: ”آزاد، سخنور یگانه و فخر زمانه بود که اهل زبان هم به فارسی دانی وی رشک می‌کردند... و باید دانست که در شعرگویی به رنگ حکیم مؤمن خان هیچکس بهتر از او نبود و چون می‌سرود، یاد مؤمن تازه می‌شد“^۳.
علّامه رضا علی وحشت یکی از معاصران آزاد و شاعر برجسته زبان اردو و فارسی در آن عهد درباره کلام آزاد می‌گوید:

”سید محمود ساکن شهر داکا و یکی از فرزندان خانواده‌ای مقتدر و نام‌آور بود... وی قصیده‌ای بسیار تأثیرگذار به زبان فارسی سروده است“^۴.
سید لطیف‌الرحمان یک شخصیت فارسی دوست در کلکته با نقد و نظر درباره کلام فارسی آزاد فکر گرانبمایه‌اش را اینطور اظهار کرده است:
”آزاد دانشمند و هنرمند بزرگ زبان و ادبیات فارسی بود... بالاستیعاب از مطالعه کلام فارسی وی روشن می‌شود که وی به عنوان شاعر قصیده‌سرا و

۱. لاله سری رام، خم‌خانه جاوید، جلد اول، ص ۴۶.

۲. مشرق‌پگال میں اردو، ص ۷۱-۷۲.

۳. همان، ص ۷۲.

۴. جمال احمد صدیقی، مضامین وحشت، ص ۱۷۹-۱۸۰.

مثنوی گو به زبان فارسی، استعداد زیاد و قدرتی تامه را دارا بود. به ویژه در قصیده‌گویی به کمال رسیده بود. در فارسی‌گویی وی، هیچکس در بنگاله جز عبیدالله عبیدی را توان برابری وی نبود. در کلامش روانی، پاکیزگی و بی‌آلایشی یافت می‌شود. عظمت و شکوه قصاید شاعران برجسته قصیده‌گو در ایران خاصه حسّان‌العجم خاقانی در قصیده‌های آزاد دیده می‌شود. مانند خاقانی آزاد قصیده‌های طولانی می‌نوشت و مثنویهایش اظهار روانی می‌داشت. شگفتگی، برجستگی و خوش بیانی از مختصات کلام آزاد می‌باشد. غزلیاتش هم به رنگ استادانه‌ای جلوه‌گر است ولی زبانش خفیف و صدایش کمتر است.^۱

اینها، همه معاصران آزاد بودند که نظرات شان درباره کلام آزاد نقل گردید. اینک به نقل نظرات دانشمندان فارسی این عصر پرداخته می‌شود:

دکتر محمد منصور عالم می‌نویسد:

”آزاد در همه اصناف سخن طبع آزمایی نموده است ولی در قصیده‌گویی اختصاص دارد. غزلیاتش از قوت و خوش بیانی خالی است. به قول آزاد، غزلیاتش رنگ نظیری و حافظ دارد؛ ولی هیچ حقیقتش نیست.“

دکتر موصوف در وصف مثنوی آزاد می‌نویسد:

”آزاد نه در قصاید و غزلیات بلکه در مثنویات نیز جوهر داشت. وی هر چه لب و لهجه و اسلوب در مثنویهایش به کار برده است، صددرصد داخلی است و از فاکتورهای مصنوعی مثنوی نویسی خالی است.“^۲

دکتر محمد فیروز درباره سخن‌گویی آزاد می‌گوید:

”آزاد در قصیده‌گویی مهارت کلی داشت. قصیده‌اش «زاد و سفر» خوب طرح انگیزی دارد ولی غزلیاتش بسیار کم ژرف و کم مایه هستند و از احساسات عشق و لطافت خالی است. مثنویهایش دارای تشبیهات و استعاره و سرشار از زیبایی، کشش، اظهار و قوت بیان است. قطعاتش هیچ زیبایی شعری ندارند

۱. تجلیات شعرستان فارسی، ص ۳۴۹-۳۵۷.

۲. مقاله دکتر منصور عالم چاپ در «راه اسلام» شماره ۱۹۲، دهلی نو، ص ۱۴۹-۱۵۱.

ولی از لحاظ زندگانی اجتماعی درخور اعتنا می‌باشد. آزاد به عنوان یک قصیده‌گو و مثنوی‌سرا میان شعرای فارسی در قرن نوزدهم میلادی در بنگاله مقام بلندی داشت^۱.

از نظرات دانشمندان فارسی روشن می‌شود که سید محمود آزاد شاعر برجسته زبان فارسی در بنگاله بود که باید او را در صف شعرای ایرانی تبار به شمار آورد.

منابع

۱. آزاد، سید محمود، دیوان آزاد، عظیم‌آباد، پتنا ۱۸۸۹ میلادی.
۲. راشدی، وفا، کلکته کی ادبی داستانیں، پاکستان ۱۹۹۹ میلادی.
۳. سری رام، لاله، خمخانه جاوید، جلد اول، لاهور ۱۹۰۸ میلادی.
۴. سہسرامی، کلیم، بنگال مقلاب، شناسی، داکا ۱۹۹۰ میلادی.
۵. صدیقی، جمال احمد، مضامین وحشت، کلکته ۱۹۸۲ میلادی.
۶. عظیم، سید اقبال، مشرقی بنگال میں اردو، داکا ۱۹۵۴ میلادی.
۷. لطیف الرحمن، سید، تجلیات شعرستان فارسی (اردو) کلکته ۱۹۶۹ میلادی.
۸. لکهنوی، سالک، بنگال میں نثر کی تاریخ، کلکته ۱۹۹۸ میلادی.
۹. نساخ، عبدالغفور، سخن شعرا، لکهنو ۱۹۸۲ میلادی.
۱۰. نہال، جاوید بنگال کا اردو ادب، انیسویں صدی میں، کلکته ۱۹۸۴ میلادی.

۱. مقاله دکتر محمد فیروز چاپ در مجله «ایندو ایرانیکا»، کلکته جلد ۶۰، ص ۵۶-۶۰.